

# راننده تاکسی اینترنتی

# سارق طلافروشی را لو داد

**گروه حوادث/** راننده تاکسی اینترنتی وقتی به رفتارهای عجیب مسافرش مشکوک شد و اسلحه کلت کمری را داخل ساک او دید، موضوع را به پلیس خبر داد و با این کار از سرقت طلافروشی پیشگیری کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، عصر چهارشنبه گذشته مرد جوانی با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گفت: راننده تاکسی اینترنتی هستم. امروز مردی را به‌عنوان مسافر سوار کردم. مقصدش خیابان جنت‌آباد جنوبی بود او از من خواست مقابل یک پاساژ طلافروشی توقف کنم. مرد مسافر یک ساک به همراه داشت که آن را داخل ماشین گذاشت و پیاده شد و از من خواست تا چند دقیقه‌ای منتظرش بمانم.

راننده ادامه داد: مرد جوان به طرف پاساژ طلافروشی رفت و چندین عکس از ویترین طلافروشی‌ها انداخت. رفتار او مشکوک بود. با خودم گفتم نکند این مرد قصد سرقت دارد. رفتارهای

## بازداشت ۷ جوان

**به اتهام شکستن شیشه خودروی گردشگران**



**گروه حوادث/** هفت پسر جوان که در روز عاشورا (دوشنبه هفته گذشته) شیشه خودروی گردشگران در تفرجگاه روستای ارزنه باخرز استان خراسان رضوی را شکسته بودند دستگیر شدند.عباس حسن‌نژاد، فرماندار باخرز در جنوب شرقی خراسان رضوی گفت: به دلیل ایام سوگاری حضرت امام حسین(ع) در روزهای تاسوعا و عاشورا، تفرجگاه ارزنه باخرز تعطیل شده بود اما تعداد محدودی گردشگر در روز عاشورا از مسیر انحرافی به این تفرجگاه رفته بودند. ورود گردشگران به تفرجگاه ارزنه موجب جریمه‌دار شدن احساسات جوانان روستا شده و اقدام به تخریب خودروی گردشگران کردند که بلافاصله پیگیری برای دستگیری متهمان انجام شد.فرماندار شهرستان باخرز گفت: در حال حاضر ۷ جوان ۱۷ تا ۲۱ساله به دلیل شکستن شیشه خودروهای گردشگران دستگیر و به دستگاه قضا تحویل داده شده اند.



شک‌برانگیز او مرا کنجکاو کرد در همین افکار بودم که ناگهان چشمم به داخل ساک مرد جوان افتاد. گوشه‌ای از زیپ باز بود و من یک اسلحه کلت کمری داخل ساک دیدم، از تعجب و ترس شوکه شده بودم، خواستم به پلیس خبر دهم که متوجه شدم مرد مسافر به سمت ماشینم آمد و سوار شد. در طول مسیر سعی کردم خودم را خونسرد نشان دهم و در یکی از محله‌های جنوب تهران او را پیاده کردم.

بلافاصله تماس راننده به پلیس آگاهی پایتخت اعلام شد و با این احتمال که مرد مسافر قصد سرقت مسلحانه از طلافروشی در خیابان جنت‌آباد جنوبی را دارد، تیمی از کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شدند. همچنین مأموران گشت کلانتری ۱۳۸ جنت‌آباد محدوده را زیر نظر گرفتند. حدود ۲۴ ساعت بعد از تماس راننده، بازداشت کردند.



را بدهد. برادرم بدهی چند نفر را پرداخت کرد اما باقی پول‌ها را که بیش از یک میلیارد تومان بود برای خودش برداشت. من ماندم و بقیه طلبکاران و تنها راهی که به ذهنم رسید این بود که سرقت کنم.

■ **نقشه‌ات چه بود؟**

دو هفته قبل در اینترنت فروشنده اسلحه‌ای را پیدا کردم و برای تحویل اسلحه و تیر به یکی از شهرهای غربی کشور سفر کردم و اسلحه را به تهران آوردم. روز قبل خودروی تاکسی اینترنتی گرفته و به خیابان جنت‌آباد جنوبی رفتم. از طلافروشی‌ها عکس گرفتم و یکی از طلافروشی‌ها را که ابتدای پاساژ بود و سرقت از آن راحت‌تر بود، انتخاب کردم.

فردای آن روز خودروی دیگری کرایه کردم و چند خیابان جلوتر از محل سرقت از ماشین پیاده شدم. از راننده خواستم ۱۰ دقیقه صبر کند و به دروغ گفتم مادرم مریض است و برای درمان به مطب دکتر در این محدوده آمده است. می‌خواستم بعد از سرقت با تاکسی اینترنتی از صحنه فرار کنم.

■ **بعد چه اتفاقی افتاد؟**

وارد طلافروشی که شدم، دو دقیقه آنجا ماندم و بعد بیرون آمده و باز داخل شدم و از فروشنده سوآلی کردم و دوباره بیرون آمدم. شرایط برای سرقت مناسب نبود و خواستم برای بار سوم وارد شوم که مأموران به من مشکوک شده و دستگیر کردند.

شناسایی جرایم احتمالی او ادامه داد.

■ **گفت‌وگو با متهم**

■ **چه شد که به فکر سرقت افتادی؟**

آژانس مسافرتی داشتم اما با شیوع کرونا کسب و کارم تعطیل شد و خیلی زود ورشکسته شدم. بیش از دو میلیارد تومان بدهی به بار آوردم و نمی‌دانستم چکار باید انجام دهم. طلبکاران لحظه‌ای رهایم نمی‌کردند و درنهایت پدرم قبول کرد بدهی‌ام را پرداخت کند. اما از برادرم خواستم با طلبکاران صحبت کند و بدهی‌ها

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ در رابطه با این خبر گفت: با هوشیاری و درایت مأموران، سارق زمینگیر و خلع سلاح شد و یک قبضه کلت کمری به همراه ۱۰ عدد فشنگ و یک عدد شوکر از سارق کشف شد؛وی مدعی شد اسلحه را از یکی از شهرهای غربی کشور خریده است.

متهم به دستور بازپرس مرتضی رسولی از شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تهران در اختیار کارآگاهان اداره یکم قرار داده شد و تحقیقات برای

## قصاص و شلاق، مجازات قاتل همسر دوم

به‌عنوان قیم پسرش درخواست قصاص کرد و متهم نیز با تکرار اظهاراتش مدعی شد که قصدش کشتن مقتول نبوده و هنوز هم نمی‌داند که او بر اثر یک حادثه فوت کرده یا خودکشی بوده است.

وی در پاسخ به سؤال قاضی که پرسیده بود اگر قصدتان صحنه‌سازی برای تهیه فیلم بوده، چرا آثار ضرب و جرح روی بدن مقتول دیده شده، گفت: من با او درگیر نشدم و ممکن است آثار جراحت مربوط به زمانی باشد که در حال انتقال جسد او بودم. من آن روز به خاطر مصرف مشروبات الکلی در حالت طبیعی نبودم.

با پایان دفاعیات متهم، قضات برای صدور حکم وارد شور شدند و متهم را برای قتل به قصاص و به‌خاطر ضرب و جرح به پرداخت دیه و ۸۰ ضربه شلاق برای شرب خمر محکوم کردند.

پس

از آشنایی با نسرين به او علاقه پيدا کرده و بي‌عوضه‌اش کردم تا اينکه همسر اولم متوجه ماجرا شد و درخواست طلاق داد.

من برای اينکه زندگی ام را حفظ کنم تصميم گرفتم با طرح نقشه‌ای ساختگی به همسرم ثابت کنم که به خاطر علاقه به او و فرزندنام نسرين را کشته‌ام و با گرفتن فيلم از صحنه خيالش را راحت کنم. وقتی موضوع را با نسرين در ميان گذاشتم او هم پذيرفت که با من همکاري کند.

روز قرار نطاب را به دور گردنش انداختم و بالای سطل رفتم. همان موقع تلفنم زنگ زد

و وقتی پس از چند دقيقه تلفنم را قطع کردم و به محل برگشتم سطل از زير پای نسرين رها شده و واقعاً حلق آویز شده است. پس از محاکمه متهم در شعبه دوم دادگاه کيفری یک استان تهران همسر سابق مقتول

**گروه حوادث/** مرد جوان که به خاطر جلب

رضایت همسر اولش در یک سناریوی عجیب همسر موقتش را به قتل رسانده بود به قصاص، پرداخت دیه و شلاق محکوم شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اسفند سال ۹۷ با کشف جسد زن جوانی در محدوده شهرک اندیشه آغاز شد.

در ادامه بلافاصله مأموران کلانتری در محل حاضر شدند و پس از بررسی اولیه مشخص شد مقتول با طناب خفه شده و جسدش به آن محل منتقل شده است.

در جریان تحقیقات معلوم شد که مقتول زنی به نام نسرين بوده که چند سال قبل از شوهرش طلاق گرفته و با پسر خردسالش زندگی می‌کرده است. اما از چند ماه قبل با مردی متأهل ارتباط داشته است.

در ادامه مرد جوان بازداشت شد و به ازدواج

# قتل دختر جوان مقابل چشمان پدر بیمار

تحقیقات نشان می‌داد دختر جوان مقابل چشمان پدر آلزایمری‌اش به قتل رسیده اما پیرمرد که تنها شاهد جثایت بود، نمی‌توانست اطلاعاتی از قاتل در اختیار مأموران قرار دهد. به دستور بازپرس جنایی تحقیقات برای شناسایی عامل جثایت ادامه یافت. در بررسی‌های صورت گرفته از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی مشخص شد مقتول مدتی قبل مرد میانسالی به نام حمید را به عنوان پرستار خانگی پدرش استخدام کرده است.

حمید هفته‌ای یک بار به خانه آنها آمده و کارهای شخصی پیرمرد را انجام می‌داد.

**گروه حوادث/** پرستار خانگی مرد آلزایمری برای سرقت از دختر صاحبکارش او را مقابل چشمان پدرش به قتل رساند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل مرداد امسال زن جوانی با پلیس تماس گرفت و گفت: یکی از همسایه‌های ما دختر جوانی است

که با پدر بیمارش زندگی می‌کند. پدرش آلزایمر دارد و برایش پرستار خانگی گرفته‌اند و روزهایی که قرار بود پرستار برای کمک به آنها بیاید این دختر در خانه می‌ماند اما هر چه به تلفن همراهش زنگ می‌زنم، پاسخ نمی‌دهد. نگران‌اش شدم و زنگ آپارتمانشان را که در طبقه

**گروه حوادث/** چهار صیاد در بندرانزلی که لنج آنها غرق شده و به دریا افتاده بودند با تلاش تیم جست‌وجو و نجات دریایی اداره کل بندارو دریانوردی استان گیلان نجات یافتند. به گزارش خبرگزاری موج گیلان، ساعت ۶:۳۲ صبح شنبه ۲۲ مرداد شناور صیادی «شوریده ۵۳» طی تماسی با مرکز جست‌وجو و نجات دریایی اداره کل بندارو دریانوردی استان گیلان، ناپدید شدن لنج «شوریده ۵۶» را اعلام کرد. پس از بررسی و تأیید موضوع و دریافت اطلاعات تکمیلی از مرکز کنترل و لنج‌های صیادی منطقه و شناسایی محدوده تردد

### نجات ۴ صیاد لنج غرق شده

لنج صیادی گمشده، شناور «ناجی ۱۴» برای جست‌وجو به محل اعزام شد و پس از حدود یک ساعت و ۳۰ دقیقه عملیات جست‌وجو، محل غرق شدن شناور شناسایی و ۴ پرسنل لنج یاد شده که در فاصله ۵ مایلی از سواحل حسن رود شهرستان بندرانزلی قرار داشتند، نجات یافته و به بندر منتقل شدند. خدمه نجات‌یافته این لنج در بیمارستان شهید بهشتی انزلی بستری شده است.از ابتدای سال جاری ۷ نفر از دریانوردان و صیادان توسط تیم جست‌وجو و نجات دریایی اداره کل بندارو دریانوردی استان گیلان نجات یافته‌اند.

■ یکشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۷۹۷۸

### درخواست طلاق به خاطر سفرهای همسر

**گروه حوادث/** هوای گرم تابستان ایستادن در حیاط دادگاه خانواده را برای زوج‌هایی که منتظر رسیدن نوبت رسیدگی به پرونده‌شان بودند، سخت کرده بود و هر کسی در گوشه‌ای زیر سایه درختان ایستاده بود تا منشی دادگاه صدایشان کند.

در میان حاضران در دادگاه مردی با کت و شلوار طوسی و پیراهن مشکی دم در ورودی مجتمع خانواده ایستاده بود و برکه ابلاغیه‌ای در دست داشت. ساعت ۱۲ در شعبه ۷۶ وقت رسیدگی به درخواست طلاق از سوی همسرش داشت. آسانسور مجتمع خراب بود و با پله تا طبقه سوم آمد. وقتی به مقابل شعبه رسید همسرش نیز با او وارد اتاق شد.

قاضی با دیدن آنها از زن جوان خواست علت درخواست طلاقش را به شکل خلاصه توضیح دهد.

زن جوان که ثنا نام داشت کمی آب خورد و گفت: جناب قاضی من با همسرم میلاد در یک آموزشگاه زبان همکلاسی بودیم، او مهندس یک شرکت تجاری است و من هم حسابداری می‌خوانم. کم کم به هم علاقه‌مند شدیم و از من خواستگاری کرد و من هم که از شخصیت و رفتار او خوشم می‌آمد جواب مثبت دادم. تقریباً ۹ ماه پیش بود که عقد کردیم و به‌جای جشن عروسی رفقیم ماه عسل. اما مشکل اینجاست که همسرم مدام به سفر کاری می‌رود و من دوست ندارم میلاد بدون من سفر کاری برود، من دلم میخواد هر جا که میره منم با او برم. میلاد آنقدر مهربان و خوش اخلاق است که هر کسکی سریع جذب او می‌شود و من نمی‌توانم اجازه بدهم او تنها جایی برود به همین خاطر ترجیح می‌دهم از او طلاق بگیرم و جدا زندگی کنم تا اینکه مدام فکر کنم که زنان و دختران دیگری جذب او می‌شوند.

قاضی از زن جوان پرسید: مگر از میلاد خطایی دیده‌ای که چنین فکری می‌کنی؟

ثنا من کنان گفت: ولی نه چون می‌دانم خیلی خوش برخورد و مهربان است می‌ترسم یعنی فکری نمی‌کنم اگر با زنان دیگر هم مثل من رفتار کند همه به او علاقه‌مند می‌شوند ضمن اینکه همسرم قبل از من چند دوست نزدیک داشته البته نه در جریان روابط قبلی او هستم و می‌دانم همه آنها را کنار گذاشته اما نمی‌توانم اجازه دهم از من دور باشد.

میلاد دستش را به نشانه اعتراض بالا برد و گفت: جناب قاضی همسرم اشتباه می‌کند من مهندس طراح یک شرکت ساختمانی‌ام و باید برای برخی از دورها به سفرهای خارجی بروم و خوب طبیعی هست که برخی از همکارانم هم با من بیایند اما من که با آنها کاری ندارم. همسرم از روز اول دیده که من چه شغلی دارم اما نمی‌دانم چرا الا این حرف‌ها را می‌زند؟ من قسم می‌خورم که این سفرها فقط کاری است و هیچ چیز دیگه‌ای نیست.

در همین موقع ثنا زیپ کیفش را باز کرد و یک پاکت در آورد که در آن چندتا عکس بود، عکس‌های میلاد و همکار خانم او در سفر اخیر آنها. قاضی با مشاهده این عکس‌ها گفت: پسرم مطمئن هستی که سفر کاری رفتی، این عکس‌ها حکایت از نزدیکی بیش از حد شما با این خانم دارد.

میلاد که شوکه شده بود سریع گفت: این عکس‌ها رو از کجا آوردی؟ ثنا با صدایی گرفته گفت: از صفحه اینستاگرام این خانم. من به تو اعتماد داشتم اما این عکس‌ها شکل دیگری از تو را به من نشان داد.

میلاد پاسخ داد: اینها فقط چند تا عکس هست چرا از روی عکس قضاوت می‌کنی؟ تو دچار سوءتفاهم شده‌ای من هیچ ارتباط نزدیکی با این خانم ندارم، زندگی مان را به خاطر چند تا عکس که شاید این خانم از روی غرض ورزی منتشر کرده خراب نکن.

زن جوان با بغض گفت: جناب قاضی من یک حرف می‌زنم و تمام یا باید از آن شرکت استعفا بدهد و دیگر به سفر نرود یا جدا می‌شوم. قاضی با تجربه که متوجه داستان زندگی میلاد و ثنا شده بود رو به این زوج جوان کرد و گفت: دخترم بهتره کمی به هم فرصت بدهید یک ماه به کلاس‌های مشاوره بروید و سعی کنید با گفت‌وگو مشکلات‌تان را حل کنید اگر حل نشد آن وقت حکم طلاق را صادر می‌کنم.

■ **امیرحسین صفدری / کارشناس حوزه خانواده**

نیود شناخت کافی، تفاهم و درک متقابل، انتخاب هیجانی و از روی ظواهر، تفاوت‌های فرهنگی و دروغ به‌راحتی می‌تواند برای زوج‌های جوان در اوایل زندگی مشترک‌شان مشکلات عمیقی ایجاد کند.

در این پرونده مشاهده می‌کنید که سفرهای میلاد و ارتباط آزادانه با همکارانش با وجود اینکه متاهل است به زندگی مشترک او آسیب زده است. این روابط آزاد میلاد بی‌شک در طولانی مدت سبب می‌شود که میلاد و ثنا دچار طلاق عاطفی شوند.میلاد که از حساسیت همسرش خبر دارد باید با رفتارهای خود به ثنا اطمینان خاطر بدهد که به او خیانت نکرده و اعتماد او را جلب کند.زوجین جوان باید آگاه باشند و بدانند که تنها می‌توانند با تعهد، وفاداری، صمیمیت، مسئولیت‌پذیری، صداقت، ازخودگذشتگی و... پایه‌های زندگی مشترک خود را بسازند.

### فوت جانشین سابق فرماندهی انتظامی گازرون در انفجار گاز



**گروه حوادث/** جانشین سابق فرماندهی انتظامی گازرون که در حادثه انفجار آبگرمکن در منزل مسکونی‌اش مجروح شده بود پس از یک هفته جان باخت. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۴:۰۴ صبح روز هفدهم مرداد حادثه انفجار آبگرمکن در منزلی مسکونی در بلوار کمربندی خرمشهر در شهر گازرون اتفاق افتاد که مرد میانسالی بر اثر سوختگی مصدوم و به بیمارستان منتقل شد. مصدوم این حادثه سرهنگ بازنشسته بهروز کشتکار جانشین سابق فرماندهی انتظامی گازرون بود که پس از گذشت چند روز در بیمارستان فوت کرد.

بر اساس این گزارش، سرهنگ اسماعیل زراعتیان فرماندهی انتظامی شهرستان گازرون حادثه درگذشت سرهنگ بازنشسته بهروز کشتکار را به خانواده وی تسلیت گفت.

### ریزش مرگبار سکوی جشنواره در اسپانیا

وزش باد شدید منجر به ریزش بخشی از سکوی یک جشنواره موسیقی در شهر والنسیای اسپانیا و مرگ یک نفر شد. به گزارش رسانه‌های اسپانیایی این حادثه در ساعات اولیه روز شنبه ۱۳ آگوست، در مدوسا، نزدیکی شهر کولرا در ساحل شرقی جنوب والنسیا در حالی رخ داد که یک جشنواره عظیم شش روزه موسیقی الکترونیک در آن برپا بود، اما ورزش شدید باد منجر به ریزش سکوی محل اجرا شد. اورژانس اعلام کرد یک نفر در این حادثه کشته شد و سه نفر به‌شدت مجروح و ۱۴ نفر نیز جثتی مجروح شدند.

برگزارکنندگان این جشنواره در بیانیه‌ای در صفحه فیس‌بوک خود اعلام کردند که «به دلیل شرایط بد جوی در ساعات اولیه بامداد ۲۲ مرداد با هدف تأمین امنیت شرکت‌کنندگان، کارگران و هنرمندان، مراسم به حالت تعلیق درآمده است.» این بیانیه می‌افزاید، محل جشنواره «به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه برای تسهیل کار اورژانس و خدمات امنیتی در جشنواره مدوسا» تخلیه شد. همچنین به‌دلیل وزش باد شدید، سایر امکانات این جشنواره نیز آسیب دیده است.